

نظام بین الملل و توسعه: بررسی مقایسه‌ای ایران و ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم

پایان نامه ارائه شده به گروه سیاسی
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد
در رشته روابط بین الملل

توسط:

بهروز نوروزی

استاد راهنما: دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

اسفندماه ۱۳۷۶

برگ تأیید پایان نامه

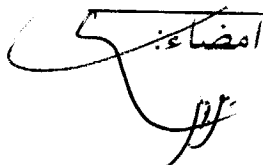
عنوان پایان نامه: نظام بین الملل و توسعه: بررسی مقایسه‌ای ایران و ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم

نام دانشجو: بهروز نوروزی

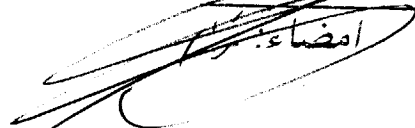
دوره: کارشناسی ارشد روابط بین الملل

این پایان نامه در جلسه ۷۶/۸/۲۸ با نمره ۱۸..... و درجه عالی..... مورد تأیید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی : استاد راهنما

امضاء:


دکتر سید عبدالعلی قوام : استاد مشاور

امضاء:


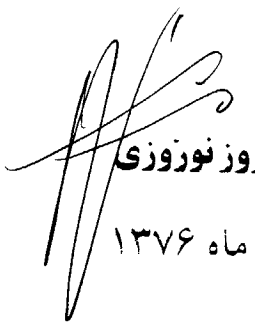


دکتر علیرضا ازغندی : استاد ناظر

امضاء:


۲۴۵۱

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی اردیبهشت ۷۶ تا اسفند ۷۶ به انجام رسیده است. به استثناء کمکیهای مورد اشاره در سپاسگزاری، محتوای این پایان نامه به طور کامل توسط خود اینجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است.



بهروز نوروزی

اسفند ماه ۱۳۷۶

سپاسگزاری

در انتخاب موضوع و تکمیل این پایان نامه از راهنمایی ها و کمکهای شایان بسیاری از اساتید و هم دوره‌ای‌هایم بهره‌مند گردیدم که بدون ذکر نام فرد آنها از این تلاشها و راهنماییها کمال تشکر را دارم.

از زحمات اساتید محترم جناب آقای دکتر امیر محمد حاجی یوسفی به عنوان استاد راهنما، جناب آقای دکتر سید عبدالعلی قوام به عنوان استاد مشاور و جناب آقای دکتر علیرضا ازغندی به عنوان استاد ناظر که از نظرات و پیشنهادات ایشان بهره‌مند بوده‌ام سپاسگزاری می‌نمایم.

همچنین از جناب آقای دکتر محمود سریع القلم که تحت تأثیر اندیشه و افکار ایشان در دوره تحصیل بوده‌ام و نیز از جناب آقای اکبر مهدی زاده کمال تشکر را دارم.

ناد خانوادگی نوری

نام بهروز

دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی

رشته تحصیلی و گرایش: کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

نام استاد راهنما: دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی تاریخ فراغت از تحصیل: اسفندماه ۱۳۷۶

عنوان پایان نامه: نظام بین‌الملل و توسعه: بررسی مقایسه‌ای ایران و ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم

چکیده

نوسعه فرآیندی است که متغیرهای متعددی در آن تأثیر دارند. نظام بین‌المللی یکی از متغیرهای عمده‌ای می‌باشد که نقش شایانی در این مورد ایفا کرده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم، بازیگران بزرگ جهانی، برای استمرار روند توسعه و افزایش و یا حفظ قدرت خود، بر سراسر جهان سلطه یافته و به استثمار پرداختند. با پیدایش فرآیند سلطه و استثمار، میزان توسعه و توسعه نیافتگی کشورها، با میزان سلطه و توسعه کشورهای اروپایی رابطه متقابل پیدا کرد. با توجه به وضعیت مزبور، وابستگی و عدم وابستگی کشورها به مراکز اقتصادی جهانی تبیین کننده توسعه و توسعه نیافتگی کشورها می‌باشد.

نویسنده حاضر این ایده را مطرح و به آزمون می‌گذارد که نظام بین‌الملل در توسعه ژاپن نقش مثبت داشته است؛ در حالی که در ایران نقش بازدارندگی و منفی ایفا کرده است. ایران به دلیل موقع نسبی - حائل بودن به هندوستان و آبهای گرم قیانوس هند - منابع مواد خام فراوان و نزدیکی به مراکز قدرت جهانی زیر سلطه دو قدرت جهانی؛ یعنی روس و انگلیس قرار گرفت؛ و آن دو کشور از طریق انحراف در ساختارها و استثمار، مانع توسعه ایران شدند. اما، ژاپن به دلیل دوری از مراکز قدرت جهانی، فقدان منابع طبیعی و معدنی، درگیری قدرتهای اروپایی در مناطق دیگر، رقابت و چشم هم‌چشمی قدرتها در چین، زیر سلطه قرار نگرفت، و توانست حتی سیر طبیعی توسعه خود را در نتیجه محرک غرب و استفاده از تجربیات آنها سرعت بخشد و به توسعه دست یابد. بنابراین، با توجه به شرایط نسبتاً یکسان داخلی دو کشور ایران و ژاپن تا ۱۸۵۰، توسعه ژاپن و توسعه نیافتگی ایران متأثر از نظام بین‌الملل بوده و نقش نظام مذکور تعیین کننده بوده است.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---|
| | سپسگزارى |
| | چکیده |
| ۱ | فصل اول : مقدمه |
| ۲ | الف (طرح موضوع |
| ۳ | ب (ارکان نظری پژوهش |
| ۴ | ۱ - سؤالات اصلی و فرعی |
| ۵ | ۲ - فرضیه‌ها و مفروضات پژوهش |
| ۶ | ج (متغیرها و مفاهیم |
| ۶ | د (گرایش و روش پژوهش |
| ۷ | ر (سابقه پژوهش |
| ۷ | س (سازماندهی تحقیق |
| ۱۰ | فصل دوم : وابستگی ، توسعه و توسعه نیافتگی |
| ۱۰ | مقدمه |
| ۱۱ | نظریه‌های توسعه و توسعه نیافتگی |
| ۱۳ | تعریف وابستگی |
| ۱۴ | متغیرها |
| ۱۶ | نظریه‌های وابستگی و عقب ماندگی |
| ۳۳ | ژئوپلتیک و تفاوت عملکرد نظام بین الملل |
| ۳۴ | ژئوپلتیک ایران و ژپن |
| ۳۶ | شناخت نظام بین الملل در نیمه دوم قرن نوزدهم |
| ۳۸ | تعریف نظام بین الملل |
| ۳۹ | بازیگران اصلی نظام بین المللی |

| | |
|-----|--|
| ۳۸ | اتحادها و مخاصمات |
| ۴۶ | فواعد بازی |
| ۵۰ | موقعیت جهان سوم با ایران و ژاپن |
| ۵۴ | نتیجه گیری |
| ۶۳ | فصل سوم: ساختار سیاسی |
| ۶۵ | بحث نظری: رژیمهای سیاسی |
| ۶۶ | ساخت قدرت |
| ۷۳ | خواست و اراده نخبگان سیاسی و توسعه و توسعه نیافتگی |
| ۷۸ | نظام بین الملل و ایران: تحکیم نفوذ و سلطه سیاسی روس و انگلیس |
| ۷۹ | سیاستهای مختلف تحکیم نفوذ سیاسی در ایران |
| ۸۶ | نظام بین الملل و ژاپن |
| ۸۶ | اولین برخورد ژاپن با غرب |
| ۸۷ | موضع ها پاسخ های مختلف ژاپنیان در قبال غرب |
| ۸۹ | دلایل عدم دخالت غرب در ژاپن |
| ۸۹ | محرک غرب برای توسعه و پیشرفت ژاپن |
| ۹۳ | نظام بین الملل، توسعه، نخبگان وابسته و مستقل |
| ۹۸ | نتیجه گیری |
| ۱۰۵ | فصل چهارم: ساختار فرهنگی |
| ۱۰۵ | مقدمه |
| ۱۰۸ | فرهنگ و فرهنگ سیاسی |
| ۱۰۹ | نوع فرهنگ سیاسی |
| ۱۱۲ | دین در ایران و ژاپن |
| ۱۱۶ | اسلام و ادیان ژاپن |
| ۱۲۲ | خصایص ملی |

| | |
|--|-----|
| الف) خصایص ملی ایران | ۱۳۲ |
| ب) خصایص ملی ژاپن | ۱۳۳ |
| نظام بین الملل و فرهنگ ایران و ژاپن | ۱۳۵ |
| ژئوپلتیک، روابط خارجی و تأثیرات آن بر فرهنگ ایران و ژاپن | ۱۳۶ |
| نتیجه گیری | ۱۳۳ |
| ضمیمه | ۱۳۵ |
| فصل پنجم: اقتصاد ایران و ژاپن و عملکرد نظام بین الملل | ۱۴۹ |
| مقدمه | ۱۴۹ |
| وضعیت اقتصادی ایران و ژاپن قبل از ۱۸۵۰ | ۱۵۰ |
| عملکرد نظام بین الملل | ۱۵۳ |
| - توسعه تجارت | ۱۵۳ |
| - امتیازات و سرمایه گذاریهای خارجی | ۱۵۷ |
| - صنایع و بازارهای جهانی و سرمایه داری استعماری | ۱۶۱ |
| - رشد صنایع | ۱۶۶ |
| - کشاورزی | ۱۶۹ |
| - نتیجه گیری | ۱۷۴ |
| نتیجه گیری | ۱۷۹ |
| فهرست منابع | ۱۷۶ |

فصل اول

مقدمه (چارچوب تئوریک)

الف) طرح موضوع:

در فرآیند توسعه یافتگی واحدهای سیاسی متغیرهای متعددی نقش دارند. از لحاظ مفهومی و روش شناختی نقش این متغیرها را از زوایا و ابعاد مختلف می توان بررسی کرد. اما به منظور تسهیل متدولوژیک موضوع مورد مطالعه در این تحقیق، بررسی این موضوع برحسب سطوح تحلیل مناسب بنظر می رسد. مطابق مبحث سطوح تحلیل، متغیرهای مختلف در توسعه یافتگی به توسعه نیافتگی را از سطح خرد به سطح کلان به چهار دسته می توان طبقه بندی کرد: سطح تحلیل فردی، سطح تحلیل سازمانی، سطح تحلیل جامعه شناختی و نهایتاً سطح تحلیل نظام بین الملل.

اندیشمندان که در مطالعات توسعه یافتگی به سطح تحلیل فردی استناد می جویند در پی بررسی نقش عوامل فردی - روانشناختی در توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی می باشند. مندرج اساسی صاحبان این نحله فکری اینست که توسعه یافتگی مستلزم ایجاد تغییرات در افکار، باورها، رفتار و بظور کلی ویژگیهای شخصیتی - روانشناختی افراد یک جامعه می باشد. از آنجاکه منور در محرکه توسعه یافتگی در جوامع مختلف افراد آن جوامع می باشند بنابراین هرگونه تحول در محیط عینی و بیرونی مستلزم تغییر در ذهن و فکر انسانهاست.

طرفداران سطح تحلیل سازمانی، به جای توجه به افراد، تمرکز مطالعاتی خود را معطوف سازمانها، بوروکراسیها و تشکیلاتی که افراد مزبور برای سازماندهی به حیات اقتصادی و

اجتماعی خود بوجود می‌آورند. می‌نمایند. مطابق دیدگاه اینها، توسعه کشورها مستلزم کارآیی سازمانها و تشکیلات مزبور می‌باشد. اما طرفداران سطح تحلیل جامعه شناختی از بعدی کلان تر به مسئله توسعه یافتگی می‌نگرند. اینان به جای تمرکز بر افراد یا سازمانها، نظر خود را بر شکل و ماهیت حکومت، ساختارهای کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و جامعه معضوف می‌دارند و هرگونه راه حلی برای توسعه یافتگی را در کارآیی و اصلاح ساختارهای مزبور جستجو می‌کنند. آخرین و کلان ترین سطح تحلیل توسعه یافتگی، به نظام بین‌الملل و متغیرهای مرتبط با آن می‌پردازد. در حالیکه متغیرهای فوق‌الذکر، متغیرهای داخلی محسوب می‌شوند. متغیر اخیرالذکر جنبه خارجی دارد. پیروان این دیدگاه به جای پرداختن به نقش عوامل داخلی در توسعه یافتگی، به متغیرهای خارج از جامعه مورد بررسی از قبیل ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل، مناسبات وابستگی یا استقلال واحدهای سیاسی، نقش امپریالیسم و استعمار، نقش سرمایه‌های خارجی، مناسبات بازیگران اصلی نظام بین‌الملل و می‌پردازند. از جمله مشهورترین نظریه پردازان این سطح تحلیل از آندره گوندر فرانک، باران، گالتونگ و می‌توان نام برد.

نویسنده حاضر در راستای تجزیه و تحلیل مسئله توسعه یافتگی زاین و توسعه نیافتگی ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم، سطح تحلیل کلان نظام بین‌الملل را انتخاب کرده است. با اینکه مبحث توسعه از آغازین روزهای حیات اجتماعی بشر مطرح بوده است اما به دلیل توسعه و رشد تقریباً همسان جوامع مختلف در قرون گذشته، تا قرن نوزدهم این مسئله نمود چندانی نداشت. اما متعاقب وقوع انقلاب صنعتی در انگلستان و تسری آن به سایر جوامع اروپایی، بتدریج اختلاف و نابرابری بین کشورهای دنیا فزونی گرفت و بطور جدی برای اولین بار فکر اندیشمندان را به خود معضوف داشت. به تشدید و تعمیق این نابرابری دو سؤال اساسی اذهان مردم و نخبگان جوامع مختلف را بخود مشغول کرد. سؤالاتی که هنوز هم در مباحث و متون مربوط به توسعه پایگاه محوری دارند. این سؤالات عبارتند از: ۱- دلایل و عوامل توسعه یافتگی کشورهای توسعه یافته چیست؟ ۲- دلایل و عوامل عقب ماندگی جوامع توسعه نیافته چه بوده‌اند؟

اگر بخواهیم برای مباحث توسعه در ایران مبدأ تاریخی خاصی ذکر کنیم باید از قرن نوزدهم و دوره قاجار نام ببریم. در این دوره بود که برای اولین بار و بصورت جدی اندیشمندان و اصلاح طلبان چون امیر کبیر، عباس میرزا، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا ملکم خان و مسئله ترقی و توسعه ایران را مورد مذاقه قرار دادند. از آن زمان تاکنون این مسئله و مبحث از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است و هریک از اندیشمندان ایرانی سعی کرده‌اند از زوایای فکری خاصی خود به این سؤال جواب دهند که دلایل عقب ماندگی ایران چه بوده است و چطور می‌توان راه ترقی را پیمود؟ همچنین در لابلای مباحث مزبور و در راستای یافتن جوابی به سؤال فوق‌الذکر از عوامل متعددی نام برده شده است. عده‌ای علت توسعه نیافتگی ایران را در عوامل داخلی از قبیل ساختار نظام سیاسی، بافت اجتماعی ایران، ساختار نظام اقتصادی و کشاورزی، ماهیت بوروکراسیهای کشور، فرهنگ و ویژگیهای فرهنگی ایرانیان و جستجو کرده‌اند و عده‌ای دیگر به متغیرهای خارجی از قبیل مناسبات قدرتهای بزرگ با ایران در طول تاریخ، استعمار و امپریالیسم و جریانات اقتصادی و سرمایه‌داری بین‌المللی پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر می‌کوشد زوایای دیگری از این بحث طولانی تاریخی را در مقطع زمانی خاص نیمه دوره قرن ۱۹ مورد کنکاش و بررسی قرار دهد. برای اینکه تصویر روشنی از فرآیند توسعه نیافتگی ایران در قرن نوزدهم و علل آن ارائه دهیم مناسب دیدیم که این امر را در قالب پژوهش مقایسه‌ای و با بررسی علل توسعه زاین در همان مقطع زمانی انجام دهیم. صرفنظر از عوامل داخلی مؤثر در توسعه یافتگی زاین و توسعه نیافتگی ایران، بدلیل تأثیرگذاری متفاوت و مهم نظام بین‌الملل بر روند توسعه این دو کشور، چنین مقایسه‌ای مناسب می‌باشد. البته این نکته را هم بایستی متذکر شویم که توجه به سطح تحلیل نظام بین‌الملل در این پژوهش به معنای نادیده گرفتن نقش متغیرهای دیگر (عوامل داخلی) نمی‌باشد. این کار صرفاً انگیزه پژوهشی و جهت تسهیل متداول‌تریک بحث صورت گرفته است. بر این باوریم که که در هر دو کشور عوامل داخلی به اندازه کافی شرایط لازم برای توسعه را ایجاد کرده بودند، اما برآیندی که حاصل آن توسعه زاین و عده توسعه ایران بوده بیشتر در نتیجه تأثیرگذاری متغیرهای بین‌الملل صورت گرفته است.

ب) ارکان نظری پژوهش:

همانطوریکه قبلاً نیز گفته شد، هدف پژوهش حاضر ارائه تبیین مناسب از توسعه یافتگی ژاپن و توسعه نیافتگی ایران در مقطع زمانی نیمه دوم قرن نوزدهم می باشد. ما ضمن پرداختن به نقش سطوح تحلیل فرد و متغیرهای داخلی، تمرکز مطالعاتی خود را عمدتاً حول متغیر نظام بین الملل معضوف کرده ایم، و سعی کرده ایم در قالب چارچوب تئوریک ذیل تبیین مناسب از موضوع مورد مطالعه خود ارائه دهیم:

۱- سؤالات اصلی و فرعی پژوهش:

سؤال اصلی: نظام بین الملل چه نقشی در فرآیند توسعه ایران و ژاپن در نیمه دوم قرن نوزدهم ایفا کرده است؟ اما برای تبیین ابعاد عملکرد نظام بین الملل در توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی ایران به تبع سؤال اصلی فوق سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح می شوند:

سؤالات فرعی:

- ۱- ساختار سیاسی ایران و ژاپن در مقطع زمانی مورد نظر چه تأثیری در فرآیند توسعه آنها داشت و این ساختار تا چه حد از نظام بین الملل تأثیر پذیرفته بود؟
 - ۲- ساختار فرهنگی ایران و ژاپن در مقطع زمانی مورد نظر چه تأثیری در فرآیند توسعه آنها داشت و این ساختار تا چه حد از نظام بین الملل تأثیر پذیرفته بود؟
 - ۳- ساختار اقتصادی ایران و ژاپن در مقطع زمانی مورد نظر چه تأثیری در فرآیند توسعه آنها داشت و این ساختار تا چه حد از نظام بین الملل تأثیر پذیرفته بود؟
- همچنین در راستای ارائه تبیین مناسب از نقش نظام بین المللی در فرآیند توسعه یافتگی ژاپن و توسعه نیافتگی ایران و نیز، ارائه چارچوب تئوریک مناسبی برای پژوهش حاضر می توان سؤالات فرعی زیر را مطرح کرد:
- ۴- تئوریهای وابستگی تا چه حد می توانند تبیین کننده توسعه یافتگی ژاپن و توسعه نیافتگی ایران باشند؟
 - ۵- ماهیت و شکل نظام بین الملل چند قطبی در نیمه دوم قرن نوزدهم، مناسبات و تعاملات

فدرتهای بزرگ با همدیگر و با کشورهای چوون ایران و ژاپن چه تأثیری در فرآیند توسعه کشورهای یاد شده داشت؟

۶- ژئوپلیتیک (موقع و منابع) ایران و ژاپن تا چه حدی می‌تواند تبیین‌کننده نقش متغیر

نظام بین‌الملل در توسعه یافتگی ژاپن و توسعه یافتگی ایران باشد؟

۲- فرضیه‌ها و مفروضات پژوهش:

در راستای یافتن پاسخ مناسب به سؤال اصلی پژوهش فرضیه‌های زیر را مورد آزمون قرار

می‌دهیم:

۱- در حالیکه نظام بین‌الملل در فرآیند توسعه یافتگی ژاپن نقش مثبت و سازنده‌ای داشته است، اما در مورد ایران این نقش منفی بوده و نظام فوق به عنوان یکی از موانع عمده توسعه یافتگی ایران عمل کرده است.

۲- دلیل نقش دوگانه نظام بین‌الملل در ایران و ژاپن به دلیل تعامل بازیگران عمده و بخاطر موقعیت و منابع ژئوپلیتیکی متفاوت دو کشور در قرن نوزدهم بوده است.

برای هر یک از سوالات فرعی فوق‌الذکر نیز می‌توان فرضیه‌های مطرح کرد که در هر یک از فصول پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

مفروضات:

۱- توسعه یافتگی اصولاً یک فرآیند و متوالی داخلی می‌باشد و در توسعه یافتگی یا

توسعه نیافتگی کشورها عوامل داخلی نقش اصلی را ایفا می‌کنند، اما در فرآیند متغیرهای

نظام بین‌المللی می‌توانند نقش تسریع‌کننده یا بازدارنده داشته باشند.

۲- جامعه بعنوان یک سیستم دارای ساختارهایی است که توسعه آن به کارکردهای

ساختارهای بستگی دارد. برای تحقق توسعه ملی، علاوه بر بعد اقتصادی، توسعه ابعاد

فرهنگی و سیاسی ضرورت دارد، و استقلال سیاسی و تدوین آن بخاطر نقش اساسی که در

سازماندهی نظام اجرایی، ایجاد زمینه‌های مشارکت و ایجاد اصلاحات در جهت بهره‌گیری از

توانایی‌ها و امکانات دارد، شرط تحقق توسعه ملی محسوب می‌شود.

ج) متغیرها و مفاهیم:

متغیر مستقل این تحقیق نظام بین‌المللی، و متغیرهای وابسته آن، توسعه‌یافتگی ژاپن و توسعه‌یافتگی ایران می‌باشد. اما مهم‌ترین مفاهیم مورد بحث عبارتند از:

۱- نظام بین‌الملل: نظام بین‌الملل، محیطی است که در آن واحدهای سیاست بین‌الملل عمل می‌کنند. بطوریکه رفتارها، جهت‌گیریها، نیتها و خواسته‌های واحدهای مزبور از نظام بین‌الملل تأثیر می‌پذیرد.^(۱) نظام بین‌الملل مورد مطالعه در این پژوهش، نظام بین‌الملل چند قطبی در نیمه دوم قرن نوزدهم می‌باشد.

۲- توسعه: منظور از توسعه در این پژوهش، توسعه اقتصادی است. «توسعه اقتصادی عبارتست از رشد مداوم اقتصادی یک جامعه و بهبود وضعیت رفاهی افراد جامعه، که ناشی از دگرگونی و تحول در بنیانهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه است، و دستیابی به غایات مطلوب نوسازی اقتصادی فراهم می‌آید.^(۲)»

۳- وابستگی: منظور از وابستگی، وضعیت دوجانبه و متقابل نیست، بلکه فرآیند پیچیده‌ای است که در آن نظام سرمایه‌داری جهانی به استثمار نظامهای فرعی؛ از طریق سلطه و انحراف در ساختارها، می‌پردازد و این وضعیت به همان اندازه که به توسعه نظام سرمایه‌داری مرکز می‌انجامد باعث توسعه توسعه‌یافتگی نظامهای فرعی می‌شود.

۴- ژئوپلیتیک: منظور عواملی است که منشاء رفتار بین‌المللی واقع می‌شود که در این تحقیق موقع نسبی و منابع معدنی و مواد خام مورد نظر است.

د) گرایش و روش پژوهش:

انواع پژوهشها را می‌توان به پژوهشهای علمی - تحلیلی، پژوهش توصیفی - تاریخی و پژوهشهای مربوط به بررسی روندها تقسیم‌بندی کرد. باید بگوییم که پژوهش حاضر عمدتاً ماهیت توصیفی - تحلیلی دارد. اما از نظر روش پژوهش عمده مضامعات و تحقیقات ما به منابع ثانویه و کار کتابخانه‌ای متکی بوده است.

ر) سابقه پژوهش:

مطالعه به صورت مقایسه‌ای، در کشور ما؛ حداقل در رشته علوم سیاسی خیلی مورد توجه قرار نگرفته است. در مورد مقایسه توسعه ایران و ژاپن، تنها کتاب نوشته شده، کتاب «موانع توسعه اقتصادی ایران، مقایسه با ژاپن» نوشته امیرباقر مدنی است که نویسنده ضمن توجه به عوامل ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی، بیشتر به بررسی عوامل داخلی پرداخته و توجهی چندانی به عملکرد نظام بین‌الملل ننموده است. از کتابهایی که در زمینه توسعه ایران نوشته شده است، می‌توان از جمله کتابهای زیر را نام برد: «موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه» از احمد اشرف، که بر عامل داخلی و خارجی تأکید دارد. کتاب «دولت و حکومت در ایران، در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری» از شاپور رواسانی، که بر عامل خارجی در توسعه‌نیافتگی ایران تأکید دارد. کتاب «ما چگونه ما شدیم» از صادق زیباکلام، عامل داخلی را عمده می‌داند. مقاله «مفهوم توسعه وابسته، کلید اقتصاد سیاسی ایران در عصر قاجار»^(۳) نوشته جان فوران، که به بررسی نقش نظام بین‌الملل می‌پردازد و آن را در تحولات ایران عمده می‌داند که باعث تبدیل ایران به «پیرامون سرمایه‌داری» شده است. از دیگر کتابها می‌توان کتاب «حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران» نوشته خسرو معتضد را نام برد که نویسنده به عوامل داخلی و خارجی توجه کرده و با مطرح کردن عامل ژئوپلیتیک ایران در مقایسه با ژاپن، آن را باعث استثمار ایران توسط استعمارگران دانسته است.

درباره توسعه ژاپن کتابهای زیادی نوشته شده است. اکثر نوشته‌ها، عوامل جغرافیایی و فرهنگی را عمده دانسته و تأثیر نظام بین‌الملل را بر توسعه آن کشور مثبت ارزیابی کرده‌اند. از جمله کتابهای زیر را می‌توان نام برد: کتاب «ایجاد ژاپن مدرن»^(۴) از ج. اچ. گوبینز؛ کتاب «شرق آسیا، تحول مدرن»^(۵) از جان کی، فایرینک، و کتاب «ریشه‌های ژاپن مدرن»^(۶) از جان پی. یرنه‌من.

س) سازماندهی تحقیق:

این پژوهش از یک فصل مقدمه - که به شرح مسئله و ارکان پژوهش می‌پردازد؛ و چهار فصل